

نقش مطالعات رده‌شناختی در آموزش زبان: پژوهشی بر پایه تحلیل
خطا در ساخت بند موصولی
کاوه بهرامی سبجانی^۱

چکیده

یکی از دلایل اصلی بروز خطا در ساخت بند موصولی از سوی زبان‌آموزان فارسی‌زبان که مشغول یادگیری زبان آلمانی هستند، استفاده از ضمیر موصولی برای ساخت بند موصولی در زبان آلمانی عنوان می‌شود که با هسته بند موصولی به لحاظ جنس دستوری و شمار مطابقت دارد. در مقابل، زبان فارسی تنها از حرف ربط «که» برای ساخت بند موصولی بهره می‌برد که با هسته بند موصولی ارتباط نحوی یا معنایی ندارد. از سوی دیگر، راهبردهایی که برای ساخت بند موصولی در هر دو زبان مورد استفاده قرار می‌گیرند نیز کاملاً متفاوت‌اند. بر اساس فرضیه پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد که بیشترین خطاها در ساخت بند موصولی در زبان آلمانی در دو بخش رخ می‌دهند: از یک سو، با انتخاب نادرست ضمیر موصولی از سوی زبان‌آموزان روبرو هستیم. علت این امر می‌تواند در عدم استفاده از ضمیر موصولی در زبان فارسی نهفته باشد. و از سوی دیگر، خطای دیگری که انتظار آن می‌رود، انتخاب راهبرد نامرتبب برای ساخت بند موصولی است. با بررسی نوع خطاها در بندهای موصولی در پیکره پژوهش حاضر مشاهده کردیم که از ۱۹۱ خطا ۱۴۵ خطا در ارتباط مستقیم با فرضیه پژوهش قرار گرفت. به عبارت دیگر، بیشترین تعداد از خطاهای موجود در ساخت بند موصولی، به دلیل استفاده دو زبان فارسی و آلمانی از راهبردهای رده‌شناختی متفاوت است. علاوه بر این موارد، در این پژوهش انواع دیگری از خطاها که با راهبردهای رده‌شناختی ساخت بند موصولی مرتبط نیستند را نیز تعیین کردیم.

واژگان کلیدی: رده‌شناسی زبان، بند موصولی، تحلیل خطا، آموزش زبان خارجی، زبان آلمانی

۱. مقدمه

زبان‌های آلمانی و فارسی به شاخه زبان‌های هند و اروپایی تعلق دارند و همانند سایر زبان‌ها دارای اشتراکات و تفاوت‌هایی هستند. بررسی این شباهت‌ها و تضادها از دو جهت حائز اهمیت است: نخست آنکه از این طریق به برخی از پرسش‌های مرتبط با دشواری‌های یادگیری زبان خارجی پاسخ داده می‌شود و از سوی دیگر، منبع برخی از خطاهای زبان‌آموزان که ریشه در انتقال نادرست ساختارهای زبانی از زبان مادری به زبان خارجی است، مشخص می‌شود. یکی از دشواری‌های زبان‌آموزان فارسی‌زبان که زبان آلمانی را فرامی‌گیرند، در ساخت بند موصولی مشاهده می‌شود. یکی از دلایل اصلی بروز خطا در ساخت بند موصولی از سوی این گروه از زبان‌آموزان، استفاده از ضمیر موصولی برای ساخت بند موصولی در زبان آلمانی عنوان می‌شود که با هسته بند موصولی به لحاظ جنس دستوری و شمار مطابقت دارد. در مقابل، زبان فارسی تنها از حرف ربط «که» برای ساخت بند موصولی بهره می‌برد که با هسته بند موصولی ارتباط نحوی یا معنایی ندارد. از سوی دیگر راهبردهایی که برای ساخت بند موصولی در هر دو زبان مورد استفاده قرار می‌گیرند نیز کاملاً متفاوت هستند. زبان آلمانی تا پیش از دشوارترین جایگاه بر روی سلسله مراتب دسترسی گروه اسمی^۱، یعنی مفعول مقایسه‌ای^۲، از راهبرد حفظ و تکرار ضمیر^۳ از طریق ضمیر موصولی در ساخت بند موصولی استفاده می‌کرد و این در حالی است که زبان فارسی در جایگاه‌های فاعل و مفعول صریح از راهبرد حذف کامل هسته^۴ و در سایر جایگاه‌های سلسله مراتب یادشده از راهبرد حفظ و تکرار ضمیر شخصی بهره می‌برد. بر اساس فرضیه پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد که بیشترین خطاها در ساخت بند موصولی در زبان آلمانی در دو بخش رخ می‌دهند: از یک سو، با انتخاب نادرست ضمیر موصولی از سوی زبان‌آموزان روبرو هستیم. علت این امر می‌تواند در عدم استفاده از ضمیر موصولی در زبان فارسی نهفته باشد. و از سوی دیگر، خطای دیگری که انتظار آن می‌رود، انتخاب راهبرد نامرتب برای ساخت بند موصولی است. از آنجایی که در هر دو زبان از راهبردهای متفاوتی برای ساخت بند موصولی استفاده می‌شود، این امر فرضیه پژوهش را تقویت می‌کند.

1. noun phrase accessibility hierarchy
2. object of comparison
3. pronoun retention strategy
4. gap strategy

همچنین انتظار می‌رود با توجه به اینکه جایگاه فعل در بند موصولی و همچنین جایگاه بند موصولی در ارتباط با هسته در هر دو زبان یکسان است، زبان‌آموزان در این بخش بدون خطا اقدام به ساخت بند موصولی کنند. در این مقاله، سعی بر آن است تا با تحلیل بندهای موصولی موجود در پیکره پژوهش، علاوه بر تعیین نوع خطاهای پرتکرار در ساخت بند موصولی، این فرضیه دنبال شود که نتایج پژوهش‌های رده‌شناختی می‌توانند در خدمت بهبود فرایند آموزش زبان خارجی و زبان دوم قرار گیرند. با هدف نشان‌دادن نوع خطاهای زبان‌آموزان فارسی‌زبان در ساخت بند موصولی از معلمان سه کلاس آموزش زبان آلمانی درخواست شد تا جمله‌هایی که زبان‌آموزان به فراخور تمرین‌های کلاس خود اقدام به ساخت آن‌ها کرده‌اند، در اختیار این پژوهش قرار گیرد. ۵۹ زبان‌آموز شامل ۳۲ زبان‌آموز خانم و ۲۷ زبان‌آموز آقا در این پژوهش شرکت کردند. جوان‌ترین زبان‌آموز ۱۶ سال و مسن‌ترین ۵۰ سال دارند. در مجموع تعداد ۱۳۳۹ بند موصولی در مرحله نخست این پژوهش جمع‌آوری و به‌عنوان پیکره تحقیق پیش‌رو مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه به ساخت بند موصولی در زبان‌های آلمانی و فارسی از دیدگاه رده‌شناسی می‌پردازیم و تفاوت‌ها و شباهت‌های احتمالی را نشان خواهیم داد. در بخش یافته‌ها، علاوه بر معرفی پیکره پژوهش حاضر، به تحلیل انواع خطاها در ساخت بند موصولی می‌پردازیم.

۲. پیشینه پژوهش

بند موصولی در زبان‌های آلمانی و فارسی در منابع متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. له‌مان (۱۹۷۷)، زبان‌شناس آلمانی، در مقاله‌ای به تفاوت ساخت بند موصولی تحدیدی و غیرتحدیدی در زبان فارسی و نحوه نشان‌دادن آن بر روی هسته پرداخته است. له‌مان بر این نظر است که نشانه «ی» در هسته بند موصولی تحدیدی، بهتر است «ی» نکره در نظر گرفته شود. وی همچنین در پژوهشی مقابله‌ای (۱۹۸۲)، بند موصولی را در زبان‌های فارسی و آلمانی مورد مقایسه قرار داده است. عمده وجه تفاوت بند موصولی در این دو زبان از دید له‌مان، استفاده از حرف ربط «که» در ساخت بند موصولی در زبان فارسی، در مقابل استفاده از ضمیر موصولی در زبان آلمانی عنوان شده است. کمبری (۱۹۸۹) در کتابی با موضوع جهانی‌ها و رده‌شناسی زبان، بخشی را به ویژگی‌های بند موصولی اختصاص داده است و به راهبردهای ساخت بند موصولی

در زبان‌های گوناگون از جمله در زبان‌های فارسی و آلمانی نیز اشاراتی دارد. ماهوتیان (۲۰۰۶) نیز در کتاب خود که به دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی می‌پردازد، ویژگی‌های بند موصولی در زبان فارسی را برشمرده است. البته معیار ماهوتیان در انتخاب مثال‌ها، شامل زبان گفتاری نیز می‌شود. از سوی دیگر، محمودی (۲۰۱۴)، در مقاله خود به نشانه «ی» در هسته بندهای موصولی پرداخته و این نشانه را ذیل هسته حرف تعریف قرار داده است. به اعتقاد وی، و برخلاف آنچه پیش‌تر از قول له‌مان عنوان شد، هسته نمای «ی» نه «ی» نکره است و نه «ی» نسبت. محمودی در مقاله دیگری (۲۰۱۹) نیز به موضوع عناصر درون بند موصولی توصیفی پرداخته است. بهرامی (۲۰۲۱) نیز در مقاله خود به ساخت بند موصولی در زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی پرداخته است. در این پژوهش، علاوه بر نشان‌دادن راهبردهای متداول در ساخت بند موصولی، مقایسه‌ای با سایر زبان‌ها نیز صورت گرفته است. وی نشان می‌دهد که برخلاف آنچه در بسیاری از دسته‌بندی‌ها عنوان شده است، زبان فارسی از راهبردهای متعددی در ساخت بند موصولی بهره می‌برد. بهرامی پیشنهاد می‌دهد که زبان فارسی را در گروه زبان‌هایی قرار دهیم که به گفته گیون (۲۰۰۱) از راهبردهای ترکیبی^۱ در ساخت بند موصولی استفاده می‌کنند. بند موصولی در زبان آلمانی نیز موضوع بسیاری از پژوهش‌ها قرار گرفته است که در اینجا به برخی از آن اشاره می‌کنیم. همچنین ویگمن و اشپایر (۲۰۲۱) در مقاله خود به موضوع نسبت تراکم اطلاعات با خروج بند موصولی پرداخته‌اند. در این مقاله علاوه بر نشان‌دادن ویژگی‌های بند موصولی در زبان آلمانی، به این نتیجه می‌رسیم که هرچه تراکم اطلاعات بیشتر باشد، خروج بند موصولی نیز محتمل‌تر خواهد بود. سانفلیسی و همکاران، جایگاه فعل در بند موصولی آلمانی و نحوه فراگیری آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دستکم در میان کودکان تمایل به قرارگرفتن فعل صرف‌شده در پایان بند موصولی بیشتر مشاهده می‌شود؛ هرچندکه در شرایط خاصی، امکان قرارگرفتن فعل صرف‌شده در جایگاه دوم نیز وجود دارد. همچنین آیزنبرگ (۲۰۰۶)، در کتاب خود با عنوان «جمله»، ذیل بندهای توصیفی، به ساخت بند موصولی در زبان آلمانی پرداخته است. پیتمر و برمن (۲۰۱۳) نیز در کتابی با عنوان «نحو زبان آلمانی» به ساخت بند موصولی پرداخته‌اند. در هر دو اثر ذکرشده، بند موصولی از دیدگاه رده‌شناسی مورد ارزیابی قرار نگرفته است و از

1. mixed relativisation strategies

همین رو نیز اشاره‌ای به راهبردهای ساخت بند موصولی در این زبان نشده است.

۳. بحث و بررسی

توصیف‌گرهای اسم در زبان آلمانی در قالب‌های متنوعی نمود می‌یابند. از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: توصیف‌گر از نوع صفت (مثال ۱)، توصیف‌گر از نوع گروه حرف اضافه‌ای (مثال ۲)، توصیف‌گر از نوع اضافی (مثال ۳) و توصیف‌گر از نوع بند موصولی (مثال ۴) (Pittner/Berman 40).

1. interessante Fragen
2. der Mann unter der Brücke
3. das Auto meiner Nachbarin
4. Der Mann, der im Lotto gewonnen hat,...

در این بخش به مورد چهارم در مثال‌های بالا یا به عبارتی به ساخت بند موصولی و انواع عناصر تشکیل‌دهنده آن می‌پردازیم. یکی از عناصر مرتبط با بند موصولی، اسم یا ضمیری است که از طریق بند موصولی توصیف می‌شود. این عنصر را هسته بند موصولی می‌نامیم. پس از هسته، بند موصولی قرار می‌گیرد. عنصر دیگری نیز در بند موصولی وجود دارد که وظیفه آن برعهده‌گرفتن نقش هسته در درون بند موصولی است. و عنصر چهارم حرف ربطی است که بند موصولی را به بند پایه متصل می‌کند (Bahrami Sobhani 60). چنانچه مثال (۴) را برای نشان‌دادن این عناصر در بند موصولی در زبان آلمانی انتخاب کنیم، مشاهده می‌کنیم که در این نمونه، اسم (der Mann)، هسته بند موصولی است که از طریق بند موصولی (der im Lotto gewonnen hat) توصیف می‌شود. عنصری که در این مثال نقش هسته در درون بند موصولی را برعهده گرفته است، ضمیر موصولی (der) است. همچنین ضمیر موصولی وظیفه اتصال بند موصولی به بند پایه را نیز برعهده دارد. به عبارت دیگر، در زبان آلمانی ضمیر موصولی، از یک سو نقش هسته در درون بند موصولی را ایفا می‌کند و از سوی دیگر، پیونددهنده بند موصولی با بند پایه است. دلیل این نکته نیز به این ویژگی بازمی‌گردد که زبان آلمانی از ضمیر موصولی برای ساخت بند موصولی استفاده می‌کند. راهبرد ساخت بند موصولی از طریق ضمیر

موصولی^۱ یکی از چندین راهبرد ساخت بند موصولی در میان زبان‌هاست. نکته قابل توجه این است که زبان آلمانی این راهبرد را در تمامی نقش‌های دستوری حفظ می‌کند.

1. Der Mann, den du auch kennst,...
2. Der Mann, dem ich das neue Buch gab,...
3. Der Mann, mit dem ich gestern telefoniert habe,...
4. Der Mann, dessen Auto hier geparkt ist,...

در مثال‌های (۵-۸)، هسته در درون بند موصولی به ترتیب، نقش مفعول صریح، مفعول غیرصریح، مفعول حرف اضافه‌ای و مفعول اضافی را برعهده دارد. کینان و کمری (۱۹۷۷) در پژوهش خود سلسله مراتب دسترسی گروه اسمی را مطرح کردند و نشان دادند که زبان‌ها برای ساخت بند موصولی از جایگاه‌های نحوی مختلف با محدودیت‌هایی روبرو هستند و الزامات تمامی جایگاه‌های نحوی برای ساخت بند موصولی در دسترس قرار ندارند.

Subject > direct object > indirect object > object of pre- or postposition > genitive > object of comparison

به طور مثال، در زبان آلمانی استفاده از راهبرد ضمیر موصولی تنها تا پیش از جایگاه مفعول مقایسه‌ای ممکن است (مثال ۸). ساخت بند موصولی از جایگاه مفعول مقایسه‌ای، به جمله‌ای ناندستوری می‌انجامد (مثال ۹):

1. *Der Mann, der die Frau größer als ist,...

اما شرایط ساخت بند موصولی و راهبرد مورد استفاده در زبان فارسی کاملاً متفاوت است. در زبان فارسی، با توجه به این نکته که هسته در درون بند موصولی کدامیک از نقش‌های دستوری را عهده‌دار شده است، از راهبردهای متفاوتی استفاده می‌شود. راهبرد حذف کامل هسته در صورتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که هسته نقش دستوری فاعل را در درون بند موصولی ایفا کند:

1. relative pronoun strategy

۱. مردی که دیروز به دانشگاه آمد، برادر من است.

در تحلیل مثال (۱۰)، مشاهده می‌کنیم که هسته (مردی) است و در پی آن بند موصولی (دیروز به دانشگاه آمد) قرار گرفته است. همچنین بند موصولی از طریق حرف ربط (که) به بند پایه متصل شده است. نقش هسته (مردی) در درون بند موصولی و بند پایه یکی است. به عبارتی، هسته هم فاعل بند موصولی است و هم فاعل بند پایه. در این شرایط، زبان فارسی از راهبرد حذف کامل هسته استفاده می‌کند. بنابراین از یک سو و برخلاف زبان آلمانی، حرف ربط هیچ نقش دستوری ایفا نمی‌کند و از سوی دیگر، چنانچه هسته نقش دستوری فاعل را در درون بند موصولی برعهده گیرد، زبان فارسی از راهبرد حذف هسته استفاده می‌کند. بنابراین جمله‌ای مانند (*مردی که دیروز او به دانشگاه آمد، برادر من است)، نادرستی است، زیرا که در تضاد با راهبرد به کاررفته در ساخت بند موصولی در این نقش دستوری قرار می‌گیرد. ساخت بند موصولی از جایگاه مفعول صریح هم می‌تواند از طریق راهبرد حذف کامل هسته صورت پذیرد و هم از طریق راهبرد حفظ و تکرار ضمیر.

۲. مردی که دیروز (او را) ملاقات کردید، برادر من است.

در مثال (۱۱) مشاهده می‌کنیم که هم حذف هسته در درون بند موصولی و هم تکرار آن از طریق ضمیر شخصی (او) مجاز است. در جایگاه مفعول غیرصریح اما، فقط می‌توان از راهبرد حفظ و تکرار ضمیر استفاده کرد.

۳. مردی که دیروز کتاب را به او دادید، برادر من است.

همچنین در ساخت بند موصولی از جایگاه مفعول حرف اضافه‌ای، مفعول اضافی و مفعول مقایسه‌ای نیز شرایط مشابهی قابل ملاحظه است.

۴. مردی که از او سؤال پرسیدید، برادر من است.

۵. مردی که مقاله‌اش منتشر شده است، برادر من است.

۶. مردی که این خانم از او بلندتر است، برادر من است.

مشاهده می‌کنیم که زبان فارسی، برخلاف زبان آلمانی تمامی جایگاه‌های نحوی را برای ساخت بند موصولی در اختیار دارد و از دو راهبرد اصلی حذف کامل هسته (در نقش

فاعلی و مفعول صریح) و همچنین راهبرد حفظ و تکرار ضمیر (در نقش مفعول صریح، مفعول غیرصریح، مفعول حرف اضافه‌ای، مفعول اضافی و مفعول مقایسه‌ای) بهره می‌برد. بنابراین، تا به اینجا دو تفاوت عمده در ساخت بند موصولی در زبان‌های آلمانی و فارسی مشاهده شد: نخست آنکه در زبان آلمانی ساخت بند موصولی تنها تا جایگاه پیش از مفعول مقایسه‌ای ممکن است، اما در زبان فارسی تمامی جایگاه‌های نحوی در دسترس هستند. و دوم آنکه زبان آلمانی از راهبرد ضمیر موصولی برای ساخت بند موصولی استفاده می‌کند و این در حالی است که در زبان فارسی با راهبردهای حذف کامل هسته و حفظ و تکرار ضمیر روبرو هستیم. نکته دیگری که در بحث ساخت بند موصولی حائز اهمیت است، جایگاه بند موصولی است که شامل چهار گونه می‌شود. ۱. بند موصولی می‌تواند همانند آنچه در زبان‌های آلمانی و فارسی مشاهده کردیم، پس از هسته قرار گیرد. در این صورت با گونه بند موصولی پسین^۱ روبرو هستیم. ۲. بند موصولی پیش از هسته قرار می‌گیرد که به این گونه، بند موصولی پیشین^۲ می‌گوییم (زبان‌های ترکی، ژاپنی و چینی در این گروه قرار می‌گیرند). ۳. همچنین هسته می‌تواند در درون بند موصولی^۳ قرار گیرد. این گونه از بند موصولی را بند موصولی درونی می‌نامیم (ساخت بند موصولی در زبان‌های ناواهو^۴ و واپو^۵ از گونه درونی است). و ۴. گونه‌ای است که بند موصولی بدون هسته^۶ ظاهر می‌شود (این گونه از جمله در زبان‌های آمریکای میانه^۷ مشاهده می‌شود). در ارتباط با جایگاه بند موصولی انتظار خطا در ساخت بند موصولی از سوی زبان‌آموزان نمی‌رود، زیرا که در هر دو زبان با گونه بند موصولی پسین روبرو هستیم. همچنین با توجه به جایگاه فعل در بند موصولی که در هر دو زبان در ساخت بی‌نشان و گونه زبان نوشتاری در پایان بند قرار می‌گیرد، انتظار می‌رود، زبان‌آموزان در این بخش نیز با خطای عمده‌ای روبرو نباشند.

۴. روش تحقیق

با هدف نشان دادن نوع خطاهای زبان‌آموزان فارسی‌زبان در ساخت بند موصولی از معلمان سه کلاس آموزش زبان آلمانی درخواست شد تا جمله‌هایی که زبان‌آموزان

1. postnominal relative clause

2. prenominal relative clause

3. internal-head relative clause

4. Navajo

5. Wappo

6. headless relative clause

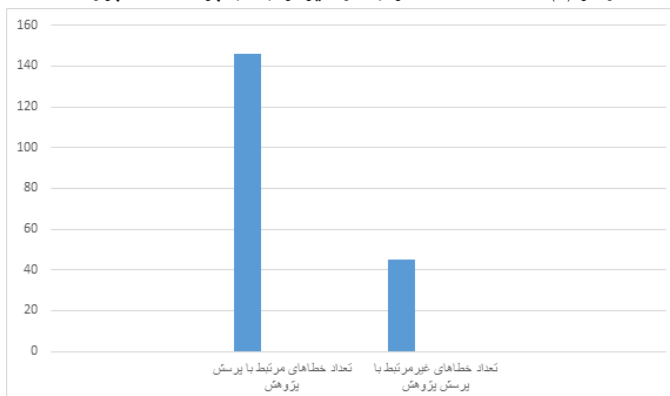
7. mesoamerican languages

به فراخور تمرین‌های کلاس خود اقدام به ساخت آن‌ها کرده‌اند، در اختیار این پژوهش قرار گیرد. در مجموع ۵۹ زبان‌آموز شامل ۳۲ زبان‌آموز خانم و ۲۷ زبان‌آموز آقا در این پژوهش شرکت کردند. جوان‌ترین زبان‌آموز ۱۶ سال و مسن‌ترین ۵۰ ساله بوده است. زبان‌آموزان دو کلاس از در مجموع سه کلاس مورد بررسی در این پژوهش، در سطح A۲.۲ (چارچوب اروپایی مشترک مرجع برای زبان‌ها) قرار داشتند و با کتاب آموزشی *DaF kompakt* مشغول به یادگیری زبان آلمانی بوده‌اند. شرکت‌کنندگان کلاس سوم با کتاب آموزشی *Starten wir* زبان آلمانی را فراگرفته‌اند و در سطح B۱.۲ قرار داشته‌اند. لازم به ذکر است که سطح متفاوت زبان‌آموزان از دو موسسه مختلف تأثیری بر نتایج این پژوهش نداشته است، زیرا که در هر گروه پس طرح موضوع و آموزش بند موصولی توسط مدرس کلاس و مبتنی بر موضوع کتاب آموزشی، جمله‌های مورد نظر در این پژوهش جمع‌آوری شده است. در مجموع تعداد ۱۳۳۹ بند موصولی در مرحله نخست این پژوهش جمع‌آوری و به‌عنوان پیکره تحقیق پیش‌رو مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

با بررسی و تحلیل نوع خطاهای موجود در ساخت بند موصولی در پژوهش حاضر از تعداد ۱۳۳۹ بند مورد بررسی، خطاهای موجود در ۱۴۶ بند موصولی در ارتباط با پرسش‌های این تحقیق قرار گرفت. همچنین ۴۵ خطا نیز در ساخت بند موصولی مشاهده شد که نوع آن به مواردی به غیر از آنچه در این پژوهش مطرح شد، بازمی‌گشت.

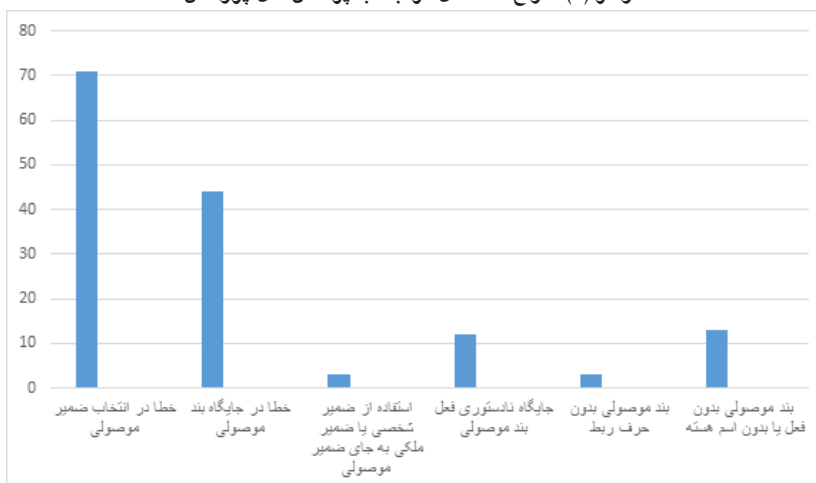
نمودار (۱): تعداد خطاهای مرتبط و غیرمرتبط با پرسش‌های پژوهش



1. Gemeinsamer Europäischer Referenzrahmen für Sprachen

تعداد خطاهای مرتبط با پرسش پژوهش (۱۴۶ مورد) در مقایسه با تعداد خطاهای غیرمرتبط (۴۵ مورد) این فرضیه را تقویت می‌کند که شناخت از راهبردهای رده‌شناختی متفاوت در ساخت بند موصولی در زبان‌های آلمانی و فارسی، دلایل خطاهای موجود در ساخت بند موصولی را نمایان‌تر می‌سازد. پیش از آنکه نمونه‌هایی برای انواع خطاهای مرتبط با پرسش پژوهش ارائه کنیم، در نمودار زیر تعداد انواع خطاها را در دسته‌بندی‌های مختلف نشان می‌دهیم.

نمودار (۲): انواع خطاهای مرتبط با پرسش‌های پژوهش



در نمودار (۲) مشاهده می‌کنیم که بیشترین تعداد از خطاها در ساخت بند موصولی (۷۱ مورد) مربوط به خطا در انتخاب ضمیر موصولی مناسب بوده است. بدین ترتیب، فرضیه نخست این پژوهش که بر اساس آن رخداد چنین خطایی پیش‌بینی شده بود، مورد تایید قرار گرفت. البته خطاهایی نظیر استفاده از ضمیر شخصی یا ضمیر ملکی به جای ضمیر موصولی (۳ مورد) را نیز می‌توان در همین گروه قرار داد. از سوی دیگر، فرضیه‌ای نیز در مقدمه این جستار مطرح شد و آن اینکه با توجه به شباهت موجود در جایگاه فعل بند موصولی و جایگاه پسین بند موصولی، انتظار بروز خطا در این بخش نمی‌رود. برخلاف این پیش‌بینی، نمودار (۲) نشان می‌دهد که ۴۴ مورد از خطاهای مرتبط با پرسش پژوهش به خطا در جایگاه بند موصولی تعلق دارد. همچنین ۱۲ مورد نیز خطا در جایگاه فعل بند موصولی مشاهده شد. بنابراین این فرضیه که شباهت میان این دو ساختار در زبان‌های آلمانی و فارسی به خطا در ساخت بند موصولی منجر نمی‌گردد،

مورد تایید قرار نگرفت.

در این بخش هر یک از انواع خطاهای مرتبط با پرسش پژوهش را معرفی می‌کنیم. مثال (۱۶) پربسامدترین نوع خطا در میان خطاهای موجود در ساخت بند موصولی است (۷۱ مورد) که در آن ضمیر موصولی نادرستی مورد استفاده قرار گرفته است. در مثال (۱۶)، نقش دستوری ضمیر موصولی در بند موصولی فاعل است و بنابراین می‌بایست از ضمیر موصولی (der) استفاده می‌شد. نمونه دستوری جمله به این شکل است (Der Mann, der mich anlächelte, ist CEO).

16. Der Mann, den mich ana lächelte ,ist CEO .

نمونه (۱۷) خطا در جایگاه بند موصولی را نشان می‌دهد. در این مثال بند موصولی به صورت پیشین به کار رفته است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، انتظار می‌رفت تا زبان‌آموزان در انتخاب جایگاه صحیح بند موصولی با توجه به شباهت موجود در این زمینه با زبان فارسی، دچار خطا نشوند. اما نتایج این پژوهش نشان داد که در مورد ۴۴ بند موصولی، جایگاه بند موصولی به درستی انتخاب نشده است. نمونه دستوری جمله (۱۷) به این صورت است: Das ist die geheimnisvolle ältere Dame, von der ich euch (schon oft erzählt habe).

Das, die ich euch schon oft erzählt habe, ist die geheimnisvolle ältere Dame.

17.

درباره مثال (۱۷) اشاره به این نکته نیز ضروری است که ضمیر موصولی نیز به درستی انتخاب نشده است. به عبارت دیگر، به جای ضمیر موصولی (die)، می‌باید از ضمیر موصولی به همراه حرف اضافه استفاده می‌شد (von der). نمونه دیگر، مربوط به استفاده از ضمیر شخصی به جای ضمیر موصولی است که در مثال (۱۸) قابل مشاهده است.

7. Mein Cousin, den ich ihn zu party einladen hat, kommt

18. immer zu spät zur party.

در این مثال، زبان‌آموز علاوه بر استفاده از ضمیر موصولی (den) از ضمیر شخصی

(ihn) نیز استفاده کرده است. به عبارت دیگر، جمله (۱۸) دو مفعول صریح دارد که به نادستوری شدن ساختار انجامیده است. دلیل این امر می‌تواند ریشه در استفاده زبان فارسی از راهبرد حفظ و تکرار ضمیر باشد که پیش‌تر به آن اشاره شد. علاوه بر این، در این مثال مطابقت دستوری میان فاعل بند موصولی (ich) و فعل صرف شده در بند موصولی (hat) نیز صورت نگرفته است. البته این خطا در گروه خطاهای غیرمرتبط با پرسش پژوهش قرار می‌گیرد و در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد. نمونه دستوری جمله (۱۸) به این شکل است (Mein Cousin, den ich zur Party eingeladen habe, kommt im-) (mer zu spät)

در نمونه (۱۹) با خطا در انتخاب جایگاه صحیح فعل بند موصولی روبرو هستیم. با وجود فرضیه‌ای که در ابتدا مطرح شد، مبنی بر اینکه با توجه به جایگاه مشابه فعل بند موصولی در زبان فارسی، انتظار بروز خطا در این بخش نمی‌رود، مشاهده می‌کنیم که ۱۲ مورد از خطاهای مرتبط با پرسش‌های پژوهش به جایگاه نادستوری فعل بند موصولی مربوط می‌شود. نمونه صحیح جمله زیر به این شکل است: (Wie heißt die Frau, die Mode ihr Lieblingsfach an der Universität ist

19. **Wie heißt die Frau, die Mode ist ihr Lieblingsfach an der Universität?**

نمونه دیگری که در فرضیه پژوهش مورد توجه قرار نگرفته است، بندهای موصولی است که بدون حرف ربط ساخته شده‌اند. در نمونه (۲۰) مشاهده می‌کنیم که از هیچ نوع حرف ربطی برای ساخت بند موصولی استفاده نشده است. اما فعل صرف شده در پایان بند موصولی واقع شده است. چنانچه فعل را از بند موصولی حذف کنیم، ساختار پس از اسم هسته (Ali) بیشتر شبیه به بدل به نظر می‌رسد. نمونه صحیح جمله زیر به این شکل است: (Ali, der mein bester Freund ist, fährt heute nach Deutschland).

20. *Ali, mein bester Freund ist, fährt heute nach Deutschland.*

در نمونه (۲۱) که آخرین مورد از مثال‌های مرتبط با پرسش‌های پژوهش است، با بند موصولی روبرو هستیم که در آن فعل به کار نرفته است. ساختار دستوری جمله زیر به این شکل است: (Das Mädchen, das blonde Haare und Kaugummi hat, ist meine Cousine).

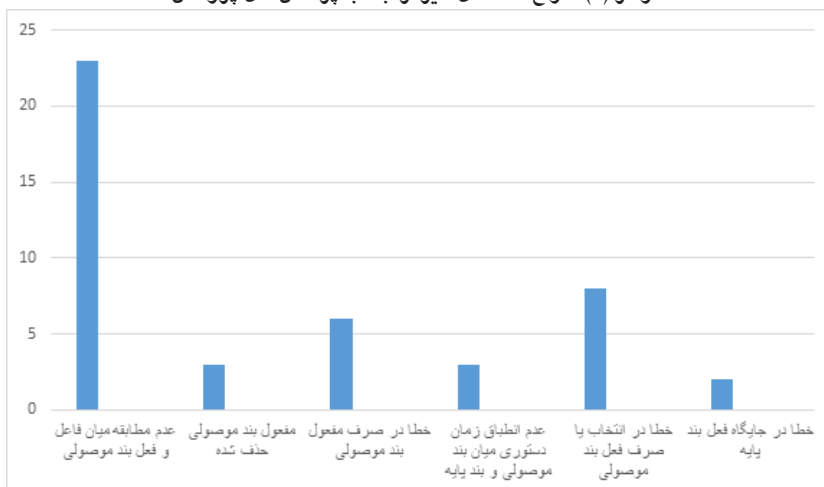
Das Mädchen , das blonden haaren und Kaugummi , ist meine cousine.

21.

مشاهده کردیم که بیشترین تعداد از خطاها در ساخت بند موصولی مربوط به خطا در انتخاب ضمیر موصولی است (۷۱ مورد). با وجود شباهتی که میان زبان فارسی و آلمانی از حیث جایگاه بند موصولی وجود دارد، تعداد این نوع از خطا (۴۴ مورد) به لحاظ کمی در جایگاه دوم قرار گرفت. در جایگاه پس از آن، بند موصولی بدون فعل یا بدون اسم هسته (۱۳ مورد) قرار گرفت که در فرضیه پژوهش مورد توجه قرار نگرفته بود. جایگاه نادرستی فعل بند موصولی (۱۲ مورد) از جمله خطاهایی که انتظار رخداد آن نمی‌رفت. پس از آن خطا در استفاده از ضمیر شخصی یا ضمیر ملکی به جای ضمیر موصولی و همچنین خطا در ساخت بند موصولی بدون حرف ربط هر کدام با سه مورد در جایگاه‌های پایانی نمودار قرار گرفتند.

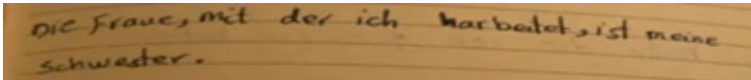
در نمودار (۳) خطاهای غیرمرتبط با پرسش‌های پژوهش را مشاهده می‌کنیم. بیشترین تعداد از خطاها در این بخش (۲۳ مورد) به عدم مطابقت دستوری میان فاعل و فعل در بند موصولی بازمی‌گردد. سایر خطاها شامل حذف مفعول بند موصولی، خطا در صرف مفعول بند موصولی، عدم انطباق زمان دستوری میان بند موصولی و بند پایه، خطا در انتخاب یا صرف فعل بند موصولی یا صرف فعل بند پایه می‌شود.

نمودار (۳): انواع خطاهای غیرمرتبط با پرسش‌های پژوهش




در مثال (۲۲) ملاحظه می‌کنیم که فاعل بند موصولی در اول شخص مفرد واقع شده است (ich) و این در حالی است که فعل بند موصولی به لحاظ شخص با فاعل مطابقت ندارد و در سوم شخص مفرد صرف شده است (arbeitet). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، این نوع از خطا بیشترین تعداد را در میان خطاهای غیرمرتبط با پرسش‌های پژوهش به خود اختصاص داده‌اند. نمونه دستوری مثال زیر به این شکل است: (Die Frau, mit der (ich (zusammen)arbeite, ist meine Schwester)

22.



در مثال (۲۳) خطا در حذف مفعول بند موصولی را مشاهده می‌کنیم (در مجموع ۳ مورد). در این مثال مفعول صریح فعل بند موصولی (verstehen) ذکر نشده است (uns). نمونه دستوری مثال زیر به این صورت است: (Ja, das ist der Junge, mit dem wir uns (verstehen)

23.



خطا در صرف مفعول بند موصولی، نوع دیگری از خطاهاست که در مثال (۲۴) نمونه‌ای از آن قابل مشاهده است. در این مثال (ein roter Pullover) مفعول صریح فعل بند موصولی (tragen) است و می‌بایست حالت دستوری مفعول صریح را نیز به خود می‌گرفت (einen roten Pullover). بنابراین نمونه دستوری مثال (۲۴) به این شکل است: (Die Frau, die einen roten Pullover trägt, heißt Julia)

24.



خطا در انتخاب یا صرف فعل بند موصولی نیز نوع دیگری از خطاهای موجود در این بخش به شمار می‌آید که در ۸ مورد مشاهده شد. در مثال (۲۵) ملاحظه می‌کنیم که از فعل کمکی (ist) استفاده شده است. و این در حالی است که فعل (fahren) در کاربردی که

در جمله (۲۵) آمده است، با فعل کمکی (haben) به کار می‌رود. بنابراین نمونه دستوری جمله (۲۵) به این شکل است: (Der Fahrer, der den Bus gefahren hat, war betrunken).

25.

Der Fahrer war betrunken. (Der Fahrer hat den Bus gefahren.)
Der Fahrer, der den Bus gefahren ist, war betrunken.

عدم انطباق زمان دستوری فعل صرف شده میان بند موصولی و بند پایه نیز از جمله دیگری خطاهایی به شمار می‌آید که در بررسی داده‌ها مشاهده شد. در نمونه (۲۶) ملاحظه می‌کنیم که فعل بند پایه (habe) در زمان حال واقع شده است و این در حالی است که فعل بند موصولی (war) در زمان گذشته قرار دارد. نمونه دستوری جمله زیر به این صورت خواهد بود که یا هر دو فعل در زمان حال به کار روند و یا هر دو در زمان گذشته (Ich habe eine Tochter, die sehr klug ist./Ich hatte eine Tochter, die sehr klug war).

26.

10. Ich habe eine Tochter, die sehr klug war.

خطا در جایگاه فعل بند پایه آخرین نمونه از خطاهای موجود در این بخش است که در مثال (۲۷) مشاهده می‌کنیم. جایگاه صحیح فعل بند پایه، بلافاصله پس از ویرگول است. این در حالی است که در مثال (۲۷) ابتدا فاعل (ich) ذکر شده است و پس از آن فعل بند پایه قرار گرفته است (schreibe). نمونه دستوری مثال زیر: (Meiner Mutter, die Urlaub auf Sylt macht, schreibe ich einen Brief).

27.

9. Ich schreibe meiner Mutter einen Brief. (Sie macht Urlaub auf Sylt.)
Meiner Mutter, die Urlaub auf Sylt macht, ich schreibe einen Brief.
9. Die Leute waren sympathisch. (Ich habe mich mit ihnen im Zoo getroffen.)

مشاهده کردیم که در مبحث خطاهای غیرمرتبط با پرسش‌های پژوهش بیشترین تعداد متعلق به عدم مطابقت دستوری میان فاعل و فعل بند موصولی است (۲۳ مورد). در جایگاه بعدی، خطا در انتخاب یا صرف فعل بند موصولی (۸ مورد) مشاهده شد. خطا در صرف مفعول بند موصولی (۶ مورد) نیز از جمله دیگر خطاهای قابل مشاهده در تحلیل داده‌ها بود. پس از آن، حذف مفعول بند موصولی و همچنین عدم انطباق زمان دستوری میان بند موصولی و بند پایه هرکدام با سه مورد در جایگاه‌های بعدی قرار گرفتند. از حیث تعداد، کمترین خطا مرتبط با جایگاه فعل بند پایه است (۲ مورد).

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، سعی شد تا با تحلیل بندهای موصولی موجود در پیکره پژوهش، علاوه بر تعیین نوع خطاهای پرتکرار در ساخت بند موصولی، این فرضیه دنبال شود که نتایج پژوهش‌های رده‌شناختی می‌توانند در خدمت بهبود فرایند آموزش زبان خارجی و زبان دوم قرار گیرند. با بررسی و تحلیل نوع خطاهای موجود در ساخت بند موصولی در پژوهش حاضر از تعداد ۱۳۳۹ بند مورد بررسی، ۱۹۱ خطا مشاهده شد که در میان آن‌ها خطاهای موجود در ۱۴۶ بند موصولی در ارتباط با پرسش‌های این تحقیق قرار گرفت. می‌توان نتیجه گرفت که این تعداد از خطاها در مقایسه با تعداد خطاهای غیرمرتبط با پرسش‌های پژوهش (۴۵ مورد)، در مرحله نخست، نشان می‌دهد که ریشه برخی از ساختارهای نادرستی که از سوی زبان‌آموزان مورد استفاده قرار می‌گیرند، با در نظر گرفتن ویژگی‌های رده‌شناختی زبان مبدا و مقصد قابل توجیه است. مشاهده کردیم که بیشترین تعداد از خطاها در ساخت بند موصولی (۷۱ مورد) مربوط به خطا در انتخاب ضمیر موصولی مناسب بوده است. بدین ترتیب، فرضیه نخست این پژوهش که بر اساس آن رخداد چنین خطایی پیش‌بینی شده بود، مورد تایید قرار گرفت. از سوی دیگر، فرضیه‌ای نیز در مقدمه این جستار مطرح شد و آن اینکه با توجه به شباهت موجود در جایگاه فعل بند موصولی و جایگاه پسین بند موصولی، انتظار بروز خطا در این بخش نمی‌رود. برخلاف این پیش‌بینی، ملاحظه کردیم که ۴۴ مورد از خطاهای مرتبط با پرسش پژوهش به خطا در جایگاه بند موصولی تعلق داشت. همچنین در ۱۲ مورد نیز خطا در جایگاه فعل بند موصولی مشاهده شد. بنابراین این فرضیه که شباهت میان این دو ساختار در زبان‌های آلمانی و فارسی به خطا در ساخت بند موصولی منجر نمی‌گردد، مورد تایید قرار نگرفت. همچنین سعی کردیم انواع دیگر خطاهای موجود در ساخت بند موصولی را که با پرسش‌های پژوهش هم‌خوانی نداشتند، تعیین کنیم. مشاهده کردیم که در این بخش بیشترین نوع از خطا مربوط به عدم مطابقت دستوری میان فاعل و فعل بند موصولی است.

The Role of Topological Studies in Language Teaching: A Study Based on Error Analysis in Constructing Relative Clauses

Kaveh Bahrami Sobhani¹

Abstract

Introduction :One of the main reasons for the error in the formation of relative clauses (RC) by Persian language learners who are learning German is the use of the relative pronoun to construct RC in German. In German, the relative pronoun agrees in both gender and number with the word it refers to, while Persian only uses the conjunction “ke” which has no syntactic or semantic connection with the RC it makes. The strategies used to construct RC are also quite different in these two languages. Based on the hypothesis of the present study, it seems that most of the errors in the construction of RC in German occur in two parts: On the one hand, there is the incorrect choice of the relative pronoun by language learners, the reason for which may lie in not using a relative pronoun in Persian. On the other hand, another mistake that can be expected is choosing an irrelevant strategy to make RC. Through analyzing the RC used in the present study, we seek to determine the type(s) of frequent errors in the construction of RC and demonstrate that the results of typological studies can improve the process of foreign and second language teaching.

Background of Study

RC in German and Persian have been investigated in several studies. Lehmann (1977), a German linguist, discusses the differences between the construction of restrictive and non-restrictive RC in Persian and how they are shown in the head inside the relative clause. On the other hand, Mahmoudi (2014) deals with the clitic “ye” in the head of RC which functions as an article in Persian. Mahmoudi (2019) also deals with the issue of

1. Assistant Professor, Department of German Language and Literature. Shahid Beheshti University.

elements in descriptive RC. Bahrami (2021) has focused on RC in Persian from a typological point of view. In this research, in addition to showing the common strategies in making RC, a comparison has been made with other languages. This study shows that contrary to what is stated in many categories, the Persian language uses several strategies in constructing RC. Also, Voigtmann and Speyer (2021) have dealt with the issue of the correlation between information density and extraposition of RC. In this article, in addition to showing the characteristics of RC in German, it is concluded that the higher the information density is, the more likely the RC is to be extrapolated.

Methodology

To indicate the type of errors of language learners whose mother tongue is Persian in constructing RC, the teachers of three German language classes were asked to provide the sentences that the students have made in their class exercises. A total of 59 language learners, including 32 female learners and 27 male language learners, participated in this study. The youngest learner was 16 years old and the oldest was 50 years old. A total of 1339 RC were collected and examined in the first phase of this research.

Conclusion

Having examined the types of errors in RC used in the present study, we observed that out of 191 errors, 145 errors were directly related to our research hypothesis. In other words, most of the errors made in RC are due to the differences in typological strategies used in Persian and German. On the other hand, a hypothesis was raised in the introduction of this paper, stating that due to the similarities between the position of the verb in RC and the posterior position of RC in Persian and German, no error is expected in this section. Contrary to this prediction, it was observed that 44 of the errors related to the research question belonged to an error in the position of RC.

Also, in 12 cases, errors were observed in the position of the verbs used in RC. In addition, in this study, we also identified other types of errors that are not related to the typological strategies used in the construction of RC.

Keywords: Linguistic Typology, Relative Clause, Error Analysis, Foreign Language Teaching, German Language

References:

- Bahrami Sobhani, Kaveh. "Relative clauses in Farsi: a typological study." *Linguistische Berichte*, No. 265 (2021): 59-81.
- Comrie, Bernard. *Language universals, linguistic typology. Syntax and morphology*. Oxford: Blackwell, 1989.
- Eisenberg, Peter. *Grundriss der deutschen Grammatik. Der Satz. 3. durchgesehene Aufl. Bd. 2*. Stuttgart: Metzler, 2006.
- Givón, Talmy. *Syntax: an introduction*. 2 vols. Amsterdam: John Benjamins, 2001.
- Keenan, Edward L.; Comrie, Bernard. "Noun Phrase Accessibility and Universal Grammar." *Linguistic Inquiry* No. 8 (1977): 63-99.
- Lehmann, Christian. "Yā-ye ešārat. Zur Grammatik des persischen Relativsatzes." *Indogermanische Forschungen* No. 82 (1977): 97-106.
- Lehmann, Christian. "Der Relativsatz im Persischen und Deutschen: eine Studie in funktioneller kontrastiver Linguistik." *IRAL* No. 20 (1982): 279-296.
- Mahmoudi, Solmaz. "Relative clause head marker in Persian." *Grammar* No. 10 (2014): 147-163.
- Mahmoudi, Solmaz. "Elements in the restrictive relative clause: resumptive pronoun or null operator." *Language Science* No. 9 (2019): 55-82.
- Mahootian, Shahrzad. *Persian*. London: Routledge, 2006.
- Pittner, Karin; Berman, Judith. *Deutsche Syntax. 5. Aufl.* Tübingen: Narr, 2013.

- Sanfelici, E., Trabant, C. & Schulz, P. "On the nature of integrated V2 relative clauses: An acquisition study of the alternation of verb-final and verb-second in German relative clauses in children." T. Biberauer, S. Wolfe & R. Woods (eds.), *Rethinking Verb Second* (Book Series *Rethinking Comparative Syntax*). Oxford University Press, (in press).
- Voigtmann, Sophia; Speyer, Augustin. "Information Density and the Extraposition of German Relative Clauses." *Frontiers in Psychology*. No (2021): 1-18.